

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

ایسکرا

۴۹۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۵ آذر ۱۳۸۸، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹

Iskraa_nkk@yahoo.com

سردبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان



محمد آسنگران

بر این قطعنامه نیامده است. ملاحظاتی رفیق دنیس نوشته بود من آنرا دیدم. اما تا کنون اصلاحیه ای به دست ما نرسیده است. اصل مسئله اینست که ما این قطعنامه را

صفحه ۳

متن سخنرانی محمد آسنگران در کنگره هفتم حزب در معرفی قطعنامه اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما

همه شما قبلاً قطعنامه را دیده اید، من در مورد بند بند آن وارد بحث نمی‌شوم. تا حالا اصلاحیه ای

قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما

خواست و اراده مردم برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و برقراری يك جامعه انسانی ایستاده اند و تلاش میکنند مبارزه مردم را به انحراف بکشانند. در شهرهای کردستان گرچه بدلائل معینی هنوز انقلاب همانند برخی شهرهای دیگر ابراز وجود نکرده است، اما وضعیت سیاسی ویژه کردستان ابراز وجود قدرتمند و

صفحه ۲

تکاپو افتاده است. اما راه حلهای این اپوزیسیون، یعنی نسخه های استحاله و تغییرات تدریجی، رژیم چنچ و انقلاب مخملی و بحران آفرینی در مرزها و فدرالیسم و رفراوندوم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی و غیره همگی در پراتیک اجتماعی مردم به حاشیه رانده شد. اکنون تلاش همه اینها روی به شکست کشیدن این انقلاب متمرکز شده است. همگی در مقابل

حکرت میلیونی مردم در خرداد ماه امسال اعلام راه حل انقلابی جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. ابراز وجود این جنبش انقلابی که هدف مستقیم آن سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی است مساله قدرت سیاسی را به انقلاب گره زد و يك تحول بنیادی در عرصه سیاست ایران بوجود آورد. علاوه بر خود جمهوری اسلامی کل اپوزیسیون در مقابل این انقلاب به



محمد امین کمانگر

نیروهای ریز و درشت رژیم انداخته بود. روز قبل از آن اینترنت و تلفنهای همراه را از کار انداختند و پارازیت شدید بر کانالهای ماهواره ای حاکم گردید. گله های وحوش

صفحه ۵

این جنبش شکست ناپذیر است!

گیجه گرفته بودند. با استادان دانشگاهها صحبت می کردند که چاره ای بیاندیششند. به اولیای دانشجویان پیام میدادند که مواظب فرزندانمان باشید. تعدادی از رهبران کارگری و دانشجویی را دستگیر کردند و به تعداد دیگر اختطاریه دادند. جلسه های سرداران و نیروی انتظامی مداوماً ادامه داشت و در پی چاره جویی بودند. وحشتشان از این روز، هراس را در دل همه

شانزده آذر امسال در میان تهدیدات سران رژیم، میخی دیگریه تابوت رژیم اسلامی ایران زد. چندین هفته قبل از شانزده آذر سردمداران رژیم که از ترس اعتراض وسیع مردم تب کرده بودند تهدید و ارباب شروع نموده و هزاران نفر از سپاه و بسیج و نیروی انتظامی را به صف کردند. مانور می دادند و توحش نظام شان را به رخ مردم می کشیدند و از ترس این خیزش مردم و دانشجویان سر

گزارش مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه آزاد سنندج

امروز در دانشگاه آزاد سنندج مراسمی به مناسبت روز دانشجوی در ساعت ۹:۳۰ صبح در محل آمفی تاتر دانشگاه برگزار گردید که در این مراسم دانشجویان با محدودیت هایی که در برابرشان قرار گرفته بود باز هم توانستند با

صفحه ۴

تصویر زن در حکومت اسلامی



آوات فرخی

در سنت و فرهنگ حکومت اسلامی وقتی دختری بدینا می آید کسی منتظرش نیست، کسی شیرینی پخش نمی کند و آمدنش را تبریک نمی گوید و اگر شخصی جويا شود که بچه پسر است یا دختر، آهسته زیر لب و با شرمساری جواب می

دهند دختر!

یعنی جنسیت سرنوشت او را

صفحه ۶

در صفحات دیگر:

صفحه ۴

مردان با حجاب

وفا قادری و صدیق سبحانی

از زندان آزاد شدند

صفحه ۵

قطعه نامه در مورد اوضاع سیاسی ...

از صفحه ۱

تعیین یافته انقلاب را در چشم انداز میگذارد و حزب برای تحقق آن تلاش میکند. مبارزه حزب و مردم در کردستان علاوه بر زیرک‌شدن جمهوری اسلامی، خنثی کردن و به شکست کشاندن سیاست‌های ضد انسانی جریانات قومپرست و ناسیونالیسم کرد را در دستور دارد. از اینرو حزب برای رهبری و به پیروزی رساندن انقلاب، بدلیل وضعیت ویژه سیاسی در کردستان، علاوه بر سیاستها و پراتیک خود در سطح سراسری طرح و پراتیک ویژه ای را در کردستان در دستور میگذارد.

مبانی تحلیلی اوضاع سیاسی در کردستان و اقدامات ویژه حزب از اینقرار است:

۱- عوامل تاریخی و سیاسی معینی به وضعیت سیاسی ویژه ای در کردستان شکل داده است. این شرایط جریانات سیاسی چپ و راست در کردستان را نیز در موقعیت ویژه ای قرار داده است. پس از انقلاب ۵۷ مهمترین شاخص وضعیت ویژه کردستان، عروج اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر چه در مواجهه با ضد انقلاب و رژیم سروکیر اسلامی و چه در مقابله با جنبش و احزاب گوناگون ناسیونالیسم کرد بوده است. حزب کمونیست کارگری، بعنوان بخش ترحب یافته جنبش کمونیسم کارگری، نماینده سیاسی طبقه کارگر و نماینده کلیه پیشروهای این طبقه و جنبش کمونیسم کارگری در مقابل ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی بوده است. علاوه بر این، بدلیل موقعیت ویژه حزب بعنوان بستر چپ در سطح سراسری، حزب به نیروی قابل اتکای کارگران و مردم آزادیخواه برای رهائی جامعه کردستان از قید استثمار و هرگونه ستمی بدل شده است.

۲- از نقطه نظر اجتماعی، موقعیت ویژه چپ در کردستان و گسترش نفوذ کمونیسم کارگری در جنبش کارگری و جنبشهای حق طلبانه خود را در طرح خواستها و مطالبات انسانی و پیشرو در این جنبشها، و در اشکال مبارزاتی کارگران و مردم آزادیخواه نشان میدهد. بویژه در دهه اخیر، گسترش اعتصابات کارگری و به میدان آمدن رهبران سرشناس و تشکلهای علنی فعالین کارگری، جنبش دفاع از حقوق کودکان در اشکال مدرن و بیسابقه، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، و جنبش آزادی زن و مطرح شدن مسائل و خواستههای

آزادیخواهانه و برابری طلبانه در این جنبشها، نمونه‌هایی از موقعیت جنبش کمونیسم کارگری در کردستان را نشان میدهد. مطالبات و سنتهای پیشرو مبارزه این جنبشهای آزادیخواه و حق طلب در کردستان که جزئی از حرکت سراسری مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است، در عین حال تعرضی جدی علیه سنتها و افق ناسیونالیسم کرد نیز بشمار میروند.

۳- بموازات تحکیم موقعیت کمونیسم کارگری و گسترش نفوذ آن در کردستان، موقعیت اجتماعی ناسیونالیسم کرد افول کرده و احزاب مختلف این جنبش به بی افقی و تشتت دچار شده اند. از طرف دیگر، نحوه بقدرت رسیدن ناسیونالیسم کرد در عراق در دوره ای باعث شده بود که احزاب ناسیونالیسم کرد در ایران به دخالت آمریکا و افق و سیاست نظم نوینی برای بقدرت رسیدن امید ببندند. فدرالیسم قومی و آرزوی تبدیل شدن به زانده های ارتش آمریکا به کل هدف و استراتژی احزاب سنتی ناسیونالیسم کرد و باندهای قومپرست بدل شده بود اما با شکست آمریکا در عراق و تحولات متعاقب آن در خود آمریکا این افق ناسیونالیسم کرد کور شده است و فعلا جایش را به افق همکاری با رژیم اسلامی داده است.

احزاب حاکم در کردستان عراق از یک طرف بدلیل شکست سیاستهای آمریکا در عراق و مسائل داخلی متعدد ناشی از آن دچار معضلات جدی شده اند و از سوی دیگر بدلیل اعتراضات مردم علیه فقر و فساد اداری آشکار دولت حاکم بر کردستان عراق با بی افقی و سردرگمی عمیقی مواجه شده و نزد مردم بی آبرو شده اند و موقعیت سابق را در میان مردم از دست داده اند. تاثیر این وضعیت عمومی بر جریانات ناسیونالیسم کرد در منطقه و از طرف دیگر چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم به بی افقی و بی اعتباری ناسیونالیسم کرد در ایران افزوده است.

۴- یک نتیجه مهم زیر سوال رفتن افق و سیاست نظم نوینی برای بقدرت خریدن جریانات ناسیونالیسم کرد، رجعت به سیاست سازش و مماشات با رژیم بود. احزاب قومپرست و ناسیونالیست سنتی کرد گرچه آمادگی خود برای سازش و

معامله با جناحی از جمهوری اسلامی را اعلام کردند، اما انقلاب و حرکت عظیم مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی این افق را هم کور کرد. از اینرو، ناسیونالیسم کرد که بجز این دو افق راهی مقابل خود نمیبیند، تماما در تقابل با انقلاب مردم آزادیخواه قرار میگیرد و امروز با در دست داشتن پرچم فدرالیسم قومی به یکی از مترجعتترین و خطرناکترین جریانات سیاسی در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم در کردستان بدل شده است.

۵- سنتا مساله ملی در کردستان ظرف و محمل فعالیت نیروهای ناسیونالیست کرد بوده است و پاسخ همه این نیروها به این مساله فدرالیسم است. جریانات ناسیونالیست و احزاب بورژوازی کرد دنبال رفع ستم ملی نیستند، بلکه کوشیده اند که وجود ستم ملی را مبنایی برای دامن زدن خرافه ها و تعصبات ملی و قدرت گیری خود، سازش و مصالحه با دولت مرکزی از بالای سر مردم، و نهایتا گرفتن سهمی از قدرت دولتی قرار دهند. آلترناتیو فدرالیستی که از جانب نیروهای ناسیونالیست کرد بعنوان راه حل مساله ملی و نجات مردم کردستان تبلیغ میشود عملا مساله ملی در کردستان را نهادینه میکند و موجب تشدید تخاصمات ملی بین مردم کردستان و سایر مناطق ایران میشود.

۶- حزب کمونیست کارگری راه رهایی کارگران و زحمتکشان در کردستان از تمامی تبعیضات و نابرابری ها و از جمله از ستم ملی را، زندگی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در یک جامعه برابر و انسانی میداند و مردم کردستان را به مبارزه برای رسیدن به چنین جامعه ای فرا میخواند. اما با این وجود اگر مردم کردستان در یک زرفاندم آزاد رای به جدائی بدهند حزب این جدائی را برسمیت نمیشناسد. ما در مقابل طرحهای گوناگون جریانات ناسیونالیستی و قومی، اعمال حاکمیت مردم و به دست گرفتن اهرمهای قدرت بوسیله طبقه کارگر و مردم سازمان یافته در شوراهای خود را قرار میدهیم. برقراری جمهوری سوسیالیستی و استقرار حکومت شورایی در سراسر ایران و از جمله در کردستان و جلوگیری از جایگزینی قدرت بوسیله عوامل و نهادهای بورژوازی محلی اساس سیاست حزب و راه واقعی رهایی مردم است.

۷- سنت مبارزه مسلحانه و وجود احزاب مسلح ناسیونالیست کرد، تسلیح

مردم در شرایط اعتلای مبارزه سیاسی و در وضعیتی که از نظر توازن قوا میان مردم و رژیم این امر ممکن باشد را امری الزامی و اجتناب ناپذیر میکند. از سوی دیگر شرایط نسبتا سهل دستیابی توده مردم به اسلحه در مقایسه با سایر مناطق ایران و تجربه مبارزه و مقاومت مسلحانه توده ای در برابر تعرضات حکومت مرکزی، شکلگیری مبارزه مسلحانه توده ای در کردستان را در شرایط اعتلای سیاسی بسیار محتمل میسازد. از اینرو آمادگی سیاسی، سازمانی و تدارکاتی برای تسلیح توده ای و قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و برای دفاع از مردم در صورت خرابکاری باندها و دستجات مسلح ناسیونالیستی و قومپرست از هم اکنون باید بطور جدی مورد توجه کارگران و کمونیست ها در کردستان قرار گیرد.

۸- علیرغم تضعیف موقعیت سازمانی و اجتماعی احزاب ناسیونالیسم کرد، نباید به ظرفیت این احزاب در ضربه زدن به حرکت آزادیخواهانه کارگران و مردم زحمتکش در کردستان کم توجه بود. از اینرو حزب برای پیشروی جنبش کمونیسم کارگری در شرایط متحول امروز ایران افشا و نقد همه جانبه ناسیونالیسم کرد در شکل سنتی و یا قومگرایانه آنرا در دستور دارد و در هر شرایطی علیه تحركات ضد مردمی و ضد انقلابی احزاب و باندهای ناسیونالیستی و قومپرست، زد و بند آنان با جناحی از رژیم و یا دولت مرکزی و دول منطقه و شکل گیری حاکمیت خودگمارده بورژوازی کرد از بالای سر مردم مبارزه میکند.

۹- سیاست عملی حزب در کردستان همانند سایر مناطق ایران سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی مردم با پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر در جهت به پیروزی رساندن انقلاب، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. در عین حال حزب با توجه به جنبش انقلابی جاری و ضرورت برداشتن موانع پیشروی انقلاب و با توجه به وضعیت ویژه سیاسی در کردستان و بنظور پیشروی هرچه بیشتر جنبش کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم در کردستان بر انجام وظایف ویژه زیر تاکید میکند.

* سازمان دادن نیروی مردم انقلابی بمنظور درهم شکستن جمهوری اسلامی در کردستان و تامین شرایط اعمال حاکمیت مردم. سازمان دادن ارگانها و تشکلهای مختلف عرصه های اعتراض اجتماعی.

سازمان دادن شوراهای کارگری و تشکلهای کمیته های محلی برای اعمال حاکمیت و بدست گرفتن کنترل شهرها و محلات.

* نقد و افشای افق و آلترناتیوهای ناسیونالیستی و نقد پیگیری سیاستها و عملکردهای آنها و احزاب ناسیونالیسم کرد. ناسیونالیسم سنتی و ناسیونالیسم قومی کرد باید از لحاظ نظری، سیاسی، و اجتماعی مورد نقد ما قرار بگیرند. حزب میتواند و باید با اتکا به موقعیت مبارزات شهری و چپ در جامعه و پیشروهای کمونیسم کارگری ناسیونالیسم را اجتماعا نقد، منزوی و حاشیه ای کند.

* مقابله با فدرالیسم که توسط احزاب ناسیونالیست کرد بعنوان راه حل مساله ملی ارائه میشود، و تبلیغ و توضیح راه حل انقلابی و انسانی حزب که در برنامه یک دنیایی بهتر در برابر آلترناتیوهای بورژوازی تلوین شده است.

* نقد و افشای سازش و مماشات جریانات ناسیونالیست کرد با جنبش ملی اسلامی و جناحهای رژیم و مقابله با طرحها و سیاستهایی که مانع مبارزات و هم سرنوشتی و اتحاد مردم کردستان با مردم دیگر مناطق ایران علیه جمهوری اسلامی است.

* سازماندهی و هدایت مبارزات کارگری و مبارزات مدرن شهری و تقویت این سنت مبارزه در برابر سنتهای مبارزه پیشمراگاتی و پارتنری در کوه و روستاها که سابقه ای دیرینه در کردستان دارد.

* آمادگی برای سازمان دادن نیروی مسلح در کردستان. آمادگی برای مبارزه مسلحانه و تسلیح عمومی مردم در شرایط اعتلای سیاسی بخشی از نقشه فعالیت حزب در کردستان است. حزب باید برای چنین شرایطی کاملا آماده باشد و برای تسلیح مردم در چنین شرایطی تدارک دیده باشد.

رهائی مردم کردستان در گرو پیروزی انقلاب در سطح سراسری و کنار زدن جریانات مترجم و قومپرست و فدرالیست است. به این منظور حزب کمونیست کارگری فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی در کردستان را به سازمانیابی و فعالیت حول سیاستهای فوق و پیوستن به صفوف حزب فرا میخواند.

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۸۸ - ۶ دسامبر ۲۰۰۹

است که به نظر من امروز با قدرتمند کردن و سازمان دادن و متشکل کردن جنبشهای انقلابی موجود و در راس آنها جنبش کارگری و در فردای یک شرایط اعتلای سوسیالیستی در کنار این اقدامات، مسلح شدن و قدرتمند شدن برای پیروزی نهایی ممکن میشود. با تشکر

از هم اکنون خودش را آماده کند و تدارک ببیند که در یک اعتلای سیاسی در کردستان هم خود و هم مردم را تسلیح کند. زیرا باید آماده بود که بعد از جمهوری اسلامی جریانات ناسیونالیستی نتوانند مردم را مقهور قدرت اسلحه خود کنند و دستاوردهای که بدست آورد را از آنها باز پس بگیرند. این کاری

کند. در عین حال میگوید مردم کردستان باید در هماهنگی و اتحاد با بقیه مردم ایران در مقابل هر سیاست سروکوبگرانه رژیم و یا سیاستهای تفرقه افکنانه ای مانند فدرالیسم و خودمختاری ... بایستند.

همزمان با این سیاستها قطعه نامه تاکید میکند که حزب باید

متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۶

تمام خاصیت این قطعه نامه این است که میگوید حزب کمونیست کارگری در کردستان چه سیاستی را دنبال میکند و چگونه میتواند مردم را علیه جمهوری اسلامی متحد

بگویم راه حل سوسیالیستی، راه حل کارگری و شوراهای مردم برای حاکمیت و متشکل شدن حول این سیاستها انسانی ترین، سیاسی ترین و بیدردترین راه حل است.

متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۱

به کنگره آوردیم که به تصویب برسد. ممکنست این بحث مطرح شود که چرا فقط در مورد کردستان این کار را میکنیم، این بحث قبلا هم مطرح شده است و جواب داده ایم، اما اجازه دهید يك بار دیگر بگویم چرا ما این کار را در مورد کردستان میکنیم، این اقدامی برای جوابگویی به يك جنبش مشخص اجتماعی و جواب به يك معضل اجتماعی است.

اصل مسئله اینست که يك جنبش واقعی در آن جامعه وجود دارد. تاریخی دارد، ویژگی خاصی دارد. یکی از ویژگیهای اصلی در کردستان اینست که جنبشهای سیاسی و اجتماعی در این جامعه احزاب معین خودشان را دارند و جامعه کاملا تحزب یافته است و جنبش سوسیالیستی در کردستان يك جنبش اجتماعی است. خارج از اینکه این و یا آن تشکیلات نیرویی دارد یانه و رفیق محمد نعمتی (پيام) به گوشه ای از آن و تشکیلات موشرحزب در کردستان اشاره کرد، اما اصل مسئله اینست که در کردستان يك جنبش قوی سوسیالیستی در ابعاد اجتماعی دارد نقش ایفا میکند.

يك مسئله دیگر اینست که در تاریخ این جامعه و سنتهای اجتماعی ای که در این جامعه هست اسلحه و مبارزه مسلحانه نقش ایفا کند. البته این جزئی تر است و دارد کمرنگ تر میشود.

سنتا در این جامعه بر مبنای وجود ستم ملی يك جنبش ناسیونالیستی راه افتاده و احزاب خودش را دارد. این احزاب برای شریک شدن در قدرت تلاش کرده اند. این مسئله توانسته است به درجات زیادی در جامعه و در افکار عمومی تاثیر گذار باشد. و به درجات زیادی خودش را متعین کرده است.

اما از مقطع انقلاب ۵۷ به بعد در يك بعد اجتماعی اتفاق تازه ای افتاده که کل سیمای جامعه را دستخوش تحول کرده است. با عروج طبقه کارگر و تحرك جنبش کارگری جنبش سوسیالیستی در يك بعد اجتماعی و وسیع در مقابل جنبش ناسیونالیستی قرار گرفت. این دو

کردند. حزب کمونیستی این طبقه را در عرصه سیاست و در يك بعد وسیع اجتماعی نمایندگی میکند.

دعوی جنبشهای اجتماعی تا سطح دعوی احزاب سیاسی متعین شده است. تاریخ این جدال را اگر نگاه کنیم جنگ کومه له و دمکرات نمونه برجسته آن است. آن جنگ اینطور نبود که فقط جنگ و رقابت دو تا حزب باشد. يك جدال طبقاتی- اجتماعی واقعی در جامعه وجود داشت جنبشهای سیاسی مقابل هم قرار گرفتند. این جنبشها خواسته هایی داشتند، افقهای متفاوتی داشتند و در مقابل هم قرار گرفته بودند. اکنون به طریق اولی کمونیزم و جنبش سوسیالیستی در کردستان ویژگی اش اینست که در يك بعد اجتماعی متحزب شده است. در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کرده است. نه تنها این بلکه در مقابل شیوه اعتراضات سنتی و ناسیونالیستی هم فرهنگ مدرن و شهری و جنبشهای اجتماعی مدرن امروزی را در مقابل شیوه اعتراضات سنتی و ناسیونالیستی نمایندگی میکند.

اگر به تاریخ اعتراضات در این منطقه نگاهی بیاندازیم، اساسا با اتکا به نیروی مسلح، احزاب تلاش کرده اند برای شریک شدن در قدرت و سهم خواهی از دولت مرکزی خود را نشان دهند و از این طریق سعی کرده اند در قدرت شریک شوند.

اکنون می بینیم کل این فضا به دلایل سیاسی و اجتماعی خاصی که در این منطقه اتفاق افتاده است متحول شده است. این تحولات مبارزه نظامی و سنت پیشمرگایی را حاشیه ای کرده است. به جای آن و در مقابل آن جنبش کارگری و جنبش دفاع از حقوق برابری طلبانه زن، جنبش دفاع از حقوق کودک و جنبشهای اجتماعی بیشتر مطرح شده اند و حتی جریانهای ناسیونالیستی ناچار شده اند اینرا بپذیرند که این جنبشها نقش برجسته تر و قوی تری دارند ایفا میکنند. این یکی از دستاوردهای مهم جنبش کمونیستی در کردستان است.

هنگامیکه به سنتهای مبارزه در کردستان رجوع میکنیم یکی از این سنتها اینست که مردم در يك شرایط اعتدالی سیاسی و موقعیتی که تعادل قوا را طوری تشخیص

دهند که بزودی رژیم رفتنی است شکی نباید داشت که فوراً مسئله اسلحه مطرح میشود و مردم دست به اسلحه میبرند. نه به این دلیل که احزاب دیگر اسلحه دارند، بلکه به این دلیل که سنتش وجود دارد. بنا بر این يك حزب کمونیستی و يك حزبی که میخواهد طبقه کارگر و مردم ستم دیده را در جنگ طبقاتی نمایندگی کند باید در این عرصه هم آماده باشد. باید تدارک دیده باشد. بتواند در مقاطع سیاسی معین اجازه ندهد که جریانهای ناسیونالیستی بیایند و جامعه را مقهور خودشان کنند.

باید با تسلیح عمومی و تسلیح جنبشهای رادیکال اجتماعی در مقابل هر کسی که بخواهد به دستاوردهای مبارزاتی مردم تعرض کند بایستد. این موضوع البته به این معنا نیست که امروز باید دست به اسلحه برد. به نظر من در شرایط فعلی هر کسی و یا هر جریانی که هر دلیلی در کردستان دست به اسلحه ببرد، در مقابل جنبش پیشرونده و تمییق یافته ای قرار میگیرد که هم اکنون در جریان است.

مرکز این جنبشها شهرها است. مرکزش کوهها و اسلحه نیست. نمود و سمبلش کلاشینکف و برنو نیست، مرکز و سمبلش اعتصابات و اعتراضات کارگری و شهری است. سخنگویانش رهبران اعتراضات اجتماعی هستند که تعدادی از آنها همینجا نشسته اند و حضور دارند. تعداد بسیار وسیعترشان در جامعه و در راس مبارزات انقلابی ایفای نقش میکنند. با توجه به این مولفه ها ما در يك شرایط مشخص و معین قرار گرفته ایم. حزب کمونیست کارگری با این قطعنامه میگوید من در این شرایط چه سیاسی در این جامعه دنبال میکنم. تا جایی که به سیاست ما برای سازمان دادن جنبشهای اجتماعی و اعتراضی و سازمان دادن کارگران و زنان و جوانان و هر کس که اعتراضی حق طلبانه در آن جامعه دارد، همان سیاسی است که در ابعاد سراسری هم تعقیب میکنیم. اما يك ویژگی و معضل دیگری هم در کردستان هست و ما باید جواب و راه حل خود را باز هم تاکید کنیم. آن هم وجود ستم ملی در این جامعه است.

راه حل احزاب ناسیونالیستی

فدرالیسم است. آلترناتیوها و طرحهای دیگر آنها مثل خودمختاری و خودگردانی و ... به اینجا رسید که اکنون همه آنها از چپ تا راست بر سر يك موضوع اجماع دارند، همه آنها میگویند فدرالیسم.

ما سالها پیش فدرالیسم و نقش مخرب چنین طرحی را نقد کردیم. تمام بحث ما اینست که فدرالیسم مسئله ملی را نه تنها حل نمیکند بلکه مسئله ملی و تفرقه قومی را نهادینه میکنند. فدرالیسم را بر مبنای قومی و ملی دارند در آن جامعه مطرح میکنند، این نه تنها راه حل نیست بلکه خود معضل را پیچیده تر و عمیقتر میکند. تفرقه قومی در آن جامعه تنها یکی از نتایج این طرح ارتجاعی است. مردمی که به قومیتها و مذاهب مختلفی منتسب شده اند با اجرای این طرح به جان هم می افتند.

هم اکنون یکی از این جریانهای ناسیونالیستی که سعی کرده یز چپ هم بخود بگیرد، تمام بحششان اینست که میگویند حکومت کرد و یا موضوع کردها و ... نمیگوید مردمی که در کردستان زندگی میکنند، تمام پلاتفرمشان بر يك مبنای ناسیونالیستی ریخته شده. من میگویم هم کرد زبانان و هم تمام انسانهایی که در این جغرافیا معین زندگی میکنند و فکر میکنند مسئله ملی یکی از معضلات آن جامعه است و باید راه حلی برایش داشت، جواب و راه حل حزب کمونیست کارگری اینست که ستم ملی يك ستم ناروا است و باید این ستم بر مردم کردستان رفع شود. راه حل ما رجوع به آرا خود مردم در این جامعه است، که طی يك فرآیند آزاد بتوانند رای دهند و جواب دو راه حل مشخص را با این فرآیند بدهند، یا اینکه با حقوق مساوی در کنار بقیه مردم ایران زندگی خواهند کرد و یا اینکه برخلاف میل ما رای میدهند که يك دولت جدا داشته باشند و آن موقع باید رای مردم هر چه بود به رسمیت شناخته شود. ما سیاستمان اینست که اگر مردم به این نتیجه رسیدند و به جدایی رای دادند ما آنرا به رسمیت می شناسیم.

اما ما از همین حالا تلاشمان را

مردان با حجاب ترجمه مقاله مینا احدی در سایت اومانیستها در تاریخ ۵ دسامبر



مینا احدی

"تهران - سایت اومانیستها در آلمان" در ایران تعدادی از مردان یک حرکت همبستگی سمبلیک و جالب را شروع کرده اند و با این حرکت یک تابو را می شکنند. سایت هومانیستها آلمان در مورد علت این حرکت و این آکسیون



تا احمدی نژاده، هر روز همین بساطه" هیچ کدام از مقامات حکومتی و ملاحا نمیتوانند در شرایط فعلی در دانشگاهی سر و کله اش پیدا شود، در همه دانشگاهها فضا بسیار نا آرام است.

"پوشیدن یک لباس زنانه و فرار کردن" این مهمترین حمله به یک مرد و تحقیر کامل یک مرد است. در فرهنگ اسلامی، زنانه شدن و زنانه لباس پوشیدن، یک موضوع مهم تحقیر و توهین به مردانگی مردان است.

اما تعدادی از دانشجویان به این حمله حکومت اسلامی بسیار جالب و عاقلانه پاسخ دادند. تعدادی از این جوانان کمیته را اعلام کردند، به اسم "ما همه مجید هستیم". آنها با روسری عکس گرفته و یک فیلم کوچک هم درست کردند که مردانی را نشان میدهد با روسریها و حجابهای مختلف.

این حرکت امروز در جریان است. حتی در برخی شهرها و یا کشورها نیز تعدادی از مردان به حالت آکسیون حجاب بر سر میکنند و عکس میگیرند. این جواب جنبشی است به حکومت اسلامی که از این طریق قصد حمله به دانشجویان را داشت و

با تحقیر زنان و تحریک فرهنگ و سنت مردسالارانه و مردانه قصد تعرض به دانشجویان را داشت. جنبشی مدرن که در این زمینه نیز تابو می شکنند. این حرکت نشان میدهد که جوان مورد تعرض، الگوی مردانه اسلامی را قبول ندارد. اگر لباس زنانه از نظر حکومت اسلامی ایران یک تحقیر و توهین است، جوانان در ایران، همین فرهنگ را به چالش گرفته اند و به تحقیر زن و به مردانگی و ماجوسم اسلامی نه میگویند.

صرف همین مسئله که تعدادی مرد حجاب بر سر کنند، یک نوع تمسخر حجاب و یک حمله به تقدس حجاب است. حجاب یک سمبل مهم جنبش اسلامی و اسلام سیاسی است و با این حرکت به یک مضحکه تبدیل میشود. هزاران نفر این حرکت و این آکسیون را از طریق اینترنت دیده اند، و ما به این صحنه ها بسیار خندیده اند. این یک حرکت جالب و یک پاسخ از سوی جنبشی است که مدرن و سکولار است و از این طریق پاسخ فرهنگ شونیسستی و ماجوسم اسلامی را میدهد. حرکتی که با هموهرعجین شده و میتواند بسیار موثر باشد.

توضیح میدهد.

مجید توکل در روز ۱۶ آذر یعنی ۷ دسامبر در دانشگاه امیر کبیر یک سخنرانی تند علیه حکومت اسلامی انجام داد. او را دستگیر میکنند و مدتی بعد حکومت اسلامی عکس او را با یک روسری آبی رنگ و یک چادرسیاه علنی میکنند. آنها میگویند که مجید از ترس دستگیر شدن لباس زنانه بر تن کرده و قصد فرار داشته است. او در این هنگام در زندان بود و و انتشار این عکس علنی با هدف تحقیر وی و حمله به جنبش اعتراضی دانشجویی انجام گرفت. جنبش دانشجویی در ایران بسیار فعال است و هر روز میتینگ و تظاهرات و هر روز صدای اعتراض دانشجویان را می شنویم که فریاد میزنند

اجتماعی و انسانی جستجو می کرد و پیوندش را با اعتراضات اجتماعی کارگران و زنان و بخش های دیگر اجتماعی مداوماً حفظ و تقویت می کرد و پیام های روشنی داشت: آزادی - برابری، دانشگاه پادگان نیست، نه به آپارتاید جنسی و دفاع از مبارزات برحق اقشار مختلف اجتماعی. پیشروی این افق در دانشگاه به خوبی توانست بر افق سازش و توهم به اصلاحات و دلخوش کردن به آزادی های نیم بند فائق آید و افق و پرچم مماشات و چانه زنی بر سر آن را به حاشیه براند. این امر توانست پرچمی را در سطح دانشگاه برافرازد که خواست هایش بر آمده از پایگاه طبقاتی کارگران و اقشار زحمت کش و فرودست جامعه بود این پرچم هر درد مند و نیازمند آزادی برابری و رفاه و آسایش در جامعه بود.

حفظ این افق و سنت اعتراضی با درجه روشن بینیش امروز بیش از هر زمان دیگری در دانشگاه یک ضرورت برای ما دانشجویان است ضرورت به این معنا که در برابر موج دیگری از توهم که امروز در شکل جنبش سبز بر دانشگاه و جامعه سایه افکنده بایستد و دوباره و دوباره بر خواست های واقعی و اساسی دانشجویان،

گزارش مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه ...

از صفحه ۱

دانشجویان در سخنان خود اعلام داشتند که به علت نبود آزادی های سیاسی و آزادی احزاب در ایران بار ابراز اعتراضات و ناراضی های موجود در جامعه بر عهده دانشگاه افتاده است و ما دانشجویان از پای نمی نشینیم و خواهان مطالبات اجتماعی و انسانی خود هستیم.

دانشجویان با ابراز تاسف از بازداشت و زندانی کردن فعالین دانشجویی خواهان آزادی بی قید و شرط آنان شدند و از مادر یاسر گلی که از ورود ایشان به مراسم ممانعت شده بود حمایت خود را ابراز داشتند دانشجویان در این مراسم با برداشتن شعارهایی که روی آن نوشته شده بود: زنده باد آزادی برابری - دانشگاه پادگان نیست - دانشجوی زندانی آزاد باید گردد - نه سبز نه سیاه آزادی برابری - کارگر دانشجو اتحاد اتحاد - تبعیض جنسیتی ملغی باید گردد؛ به اعتراض خود ادامه دادند این مراسم که قرار بود تا ساعت ۱ ادامه داشته باشد با دخالت نیروهای بسیجی و حراست

دانشگاه به هم زده شد و از خواندن بیانیته ها و سخنان دانشجویان جلوگیری کردند این مراسم در میان اعتراض دانشجویان نسبت به برخورد بسیجیان و حراست دانشگاه با خواندن سرود یار دستان، در ساعت ۱۱ به پایان رسید.

بیانیه دانشجویان دانشگاه های کردستان به مناسبت روز دانشجو ۱۶ آذر روز دانشجویان است که در تاریخ ایران روز اعتراض صریح دانشگاه به استبداد و تبعیض و نابرابری است روزی که سنگر آزادی را در قلب جامعه در بوران یاس و نا امیدی پایدار نگاه داشته است و از حق زندگی انسانی سرسختانه و جسورانه دفاع کرده و بکرات قربانی داده است.



برابری در دانشگاه هستیم و همچنان در برابر هر تعرض به صف آزادیخواهی و برابری طلبی مقاوم و استوار ایستاده و از خواست های اساسی خود دفاع میکنیم و از تلاشها و کوشش های دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب سراسر کشور حمایت می کنیم و خواستار برگشتن دانشجویان محروم از تحصیل به سرکلاسهایشان هستیم.

مطالبات فوق را سرلوحه تلاش جمعی خویش قرار میدهیم:

- ۱- آزادی همه دانشجویان زندانی و زندانیان عقیدتی
- ۲- تامین تسهیلات صنفی واجتماعی برای همه دانشجویان
- ۳- آزادی تشکل مستقل

این جنبش شکست ناپذیر است!

از صفحه ۱

سپاه و بسیج و لباس شخصی ها را توجیه کرده بودند تا با استفاده از گاز اشک آور و باطوم برقی این تظاهرات و اعتراضات را سرکوب کنند. این ترس و وحشت حکومت اسلامی نشان از چه است؟ دستپاچگی و استیصال سران حکومت اسلامی حقانیت اعتراض و انقلاب مردم را نشان می دهد. شانزده آذر نشان داد که انقلاب راه خود را ادامه می دهد و این جنبش شکست ناپذیر است. اینها قادر نخواهند بود که قدرت عظیم انقلاب مردم را مهار کنند. هنگامی که فرماندهان نظامی و سرداران سپاه خط و نشان می کشند، دانشجویان و مردم انقلابی عکس رهبران رژیم خمینی را به آتش می کشیدند، عکس خمینی را پاره می کنند و جوانان دختر و پسر از شوق فریاد می کشیدند و این تابو را در این روز شکستند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند، کشتار و تجاوز دیگر اثر ندارد، مرگ بر خامنه ای، خامنه ای قاتله ولایتش باطله. شانزده آذر به خوبی نشان داد که مردم انقلابی برای بزرگ کشیدن حکومت اسلامی، این نظام کثیف که مانند پرده چرکین و سیاهی جلو

خوشی و شادی و شکوفایی مردم را گرفته است عزم جزم کرده اند و هیچ تهدید و ارعابی جلو دار اراده این مردم به پا خواسته نیست. به آتش کشیدن عکس بنیان گذار رژیم اسلامی در این روز در جلو چشم جهانیان معنای دیگری به این روز بخشید. این شهامت جوانانی بود که برای سرنگونی این نظام روز شماری می کنند و نیروهای رژیم را مترسکی بیش نمی دانند. شانزده آذر، هفده آذر، هیجده آذر و ادامه آن اثبات کننده این است که رژیم اسلامی به سرعت در حال سقوط است و هیچ نقطه سازشی میان مردم و حکومت اسلامی باقی نمانده است. ما بارها گفته ایم که بخشی از بورژوازی در نظام حاکم بر ایران، برای اینکه موجودیت جامعه بورژوایی و نظام اسلامی تضمین گردد، خواهان رفع حد اقلی از نارضایی های اجتماعی هستند. اما بدون مبارزات و خطراتی که وضع موجود را در هم بکوبد، بدون اعتراضات بنیادی و متلاشی کننده. آنها حاکمیتی را خواهانند و به تصویر می کشند که طبقه کارگر خاموشی داشته باشند، مردم آرامی داشته باشند و با کرسنگی و

فقر در نظام اسلامی بسوزند و بسازند. اما شانزده آذر خوبی نشان داد که این متصور نیست و اهمیت شانزده آذر اتفاقاً در همینجا بود که زیر روکش هیچ یک از جناحهای حکومتی قرار نگرفت و مهر هیچ شیخ و شیوخ حکومتی را بر خود نداشت و مستقیماً قلب کل نظام را نشانه رفت. شانزده آذر نشان داد که دانشجویان و مردم در بیش از چهارده شهر بزرگ ایران در تظاهرات و اعتراضات شان تنفر و انزجار خود را علیه این بساط فاسد و توحش اسلامی ابراز داشتند. دانشگاهها و خیابانهای اطراف آن توسط زنجیر مردم بهم پیوند خورده بود و این حلقه ای دیگر از زنجیری است که مردم بدور گردن رژیم اسلامی پیچیدند تا لاشه گنبد این نظام را دفن کنند. شانزده آذر صدای رسای انقلابی بود که شروع شده است. صدای رسای خیزش مستقلی بود که روی پای خود ایستاد و اعلام موجودیت کرد و اختلاقیهای هر دو جناح را تا خرد کردن استخوانهای همدیگر تعمیق بخشیده است. این است که هر دو جناح دنبال روزنه ای می گردند تا از این شرایط خارج شوند. اما حلقه محاصره هر دم تنگ تر می گردد. این نظام و این حکومت شانسان ماندن را از دست میدهد. همچنین این روز شور انگیز در بیش از دو هزار رسانه جهانی باز

تاب یافته بود که همه از مردم و از جوانانی سخن گفتند که نظام اسلامی تا دندان مسلح را شجاعانه به مصاف طلبیدند.

گزارشی از دانشگتن پست " نیروهای امنیتی و لباس شخصی ها روز دوشنبه در شهر تهران با استفاده از چماق، گاز اشک آور، و با باتوم برقی، وحشیانه به تظاهراتها حمله کردند."

اهمیت شانزده آذر را باید از زبان محافظان این نظام شنید: حجت الاسلام حیدر مصلحی که وضعیت امنیتی کشور را در مدرسه فیضه قم بررسی کرده توجه کنید. به سخنان ایشان در روز ۱۹ آذر ۱۳۸۸ گوش کنید تا شانزده آذر و حقانیت این خیزش عظیم را و وحشتی که گردانندگان این نظام دارند را در یابید. پس از آن به سخنان دادستان کل کشور حجت الاسلام اژه ای در دو هفته پیش و تهدیدات ایشان علیه نیروی مخالف را گوش کنید تا وحشت حکومت اسلامی از این شرایط را درک کنید.

اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی اعلام می کند "نیروی انتظامی دیگر با هیچ شخصی در جریان نفاق بعد از انتخابات مدارانمی کند و در راستای وظایف خود بطور قاطع با قانون شکنان بر خورد خواهد کرد.؟! گویا این همه جنایت در طول سی سال حاکمیت

این نظام فاسد علیه مردم مدارا بوده و ایشان از امروز می خواهند مدارا را کنار بگذارند و قاطعیت نشان دهند!؟

باز می گوید که "متخلفانی که در جامعه نا امنی بوجود می آورند باید با بازوان پر توان پلیس به آنها برخورد شود.!"

جناب سردار مقدم ادامه می دهد. مأموران انتظامی باید چنان به وظیفه خود عمل کنند که ارادل و اوباش و خطا کاران همواره از پلیس بترسند و مردم (یعنی ایت الهه های میلیاردر، آغازاده ها، حزب اله و طرفداران حکومت) با دیدن پلیس احساس امنیت کنند. "یا سخنان سردار شهبانی فر، فرمانده سپاه فتح در استان کهگیلویه و بویراحمد که هر کدام گوشه هایی از این اوضاع را بررسی می کنند و ترس و اهمه خود از این شرایط را به شیوه ای باز گو می کنند.

این است که شانزده آذر امسال زبان رسای انقلاب این جنبش عظیم مردمی را در جایگاه دیگری قرار داد.

زنده باد قدرت انقلاب مردم
زنده باد انسانیت
۱۲ دسامبر ۲۰۰۹

وفا قادری و صدیق سبحانی
از زندان آزاد شدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تبریک آزادی تمامی این دوستان از زندان، تهاجم به گلگشت حمایت از کارگران در بند و زندانی کردن اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در سندج را قویا محکوم میکند و بر عزم و اراده تمامی کارگران در سندج و سایر نقاط ایران در حمایت از کارگران در بند درود می فرستد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
- ۲۲ آذر ماه ۸۸

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران وفا قادری و صدیق سبحانی که به همراه ۱۲ نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در روز جمعه ۱۳ آذر ماه حسین بازگشت از گلگشت حمایت از کارگران در بند دستگیر شده بودند امروز یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۸۹ با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

لازم به یاد آوری است ۱۲ نفر از این دستگیر شدگان همگی تا روز پنج شنبه ۱۹ آذر ماه با قرار کفالت از زندان آزاد شده بودند.

۶- رفع فوری مجازات محرومیت از تحصیل برای فعالین دانشجویی

۷- رفع هر گونه تبعض و جدا سازی جنسیتی در محیط های دانشگاهی و در جامعه

۸- ما دانشجویان مبارزات برحق کارگران و زنان برای رسیدن به حقوق شان حمایت می کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین آنان هستیم.

از تشکلهای و اساتید محترم برای تحقق این خواستها تقاضای حمایت جدی می کنیم.

۱۶ آذر ۸۸
دانشجویان دانشگاه
کردستان - دانشگاه آزاد واحد
سندج - دانشگاه پیام نور

گزارش مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه ...

از صفحه ۴

۵- ما خواهان ممنوعیت حکم اعدام در جامعه هستیم و اعتقاد داریم حکم اعدام قتل آگاهانه برای انتقام جویی است نه اجرای عدالت.

برای دانشجویان و آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده

۴- رفع فضای پلیسی و تهدید و ارعاب از دانشجویان



تصویر زن در حکومت اسلامی

از صفحه ۱

تعیین کرده است و او باید میدانست که آمدنش به این دنیای وارونه خطایی بزرگ و نابخشودنی است که تقاص آن را تا دم مرگ باید پس بدهد. اما او نوزادی بیش نیست و نمی داند دنیایی که در آن قدم نهاده تا چه اندازه از توحش لبریز است! تمام زندگی او بایدها و نیبایدهایی میشود که او محکوم به رعایت آنهاست.

مدرسه بگیرد، حجاب در اسلام با نهج البلاغه کتابی مناسب است. آخر در کتابخانه مدرسه همین کتابها یافت می شود. باید یاد بگیرد که به جنس دوم بودن خود افتخار کند. درست است که در این دنیا هیچ چیز متعلق به او نیست و او مهمان این دنیا است اما در آخرت که بهشت زیر پایش است. باید بداند او کسی نیست که انتخاب کند بلکه باید انتخاب شود و تا وقتی که انتخاب شود همه رفتارهایش ابتدا از طرف پدر و برادر و در نبود آنها از طرف مادر همچون خدمتکار مردان خانواده کنترل شود. اگر از طرف مردی انتخاب شود بی چون و چرا این مردان خانواده هستند که در موردش تصمیم میگیرند و اگر خودش راضی باشد یا نباشد اصلاً اهمیتی ندارد بلکه این معامله ایست که تنها به مردان مربوط میشود.

باید حجابش را خوب رعایت کند و با بدحجابی اسلام را در خطر نیندازد چون سزای این گناه کبیره را بر عکس کارهای نیکش نه در آخرت، بلکه در همین دنیا به بدترین شیوه ها باید بپردازد. هرگز کسی منتظر اظهار نظر یا

عقیده و بیان او نیست. مگر به او یاد نداده اند که زن و اظهار عقیده در این سیستم نمی گنجد. خدماتش را اعم از نظافت و آشپزی و تربیت فرزندان و خدمات جنسی که از وظایف اصلی او هستند نباید فراموش کند. خودش را درگیر سولاتی مانند دیه نابرابر و ارث نابرابر و غیره نکند چون فضولی کردن در این موارد قابل بخشش نیست /

هرگز در انتظار سپردن حق زناقت فرزندش نباشد مگر فراموش کرده است که در این سیستم زن آقیدر پست و فرومایه است که حتی لیاقت زناقت فرزندش را هم ندارد. هرگز نباید روی سخن همسرش یا به عبارت ساده تر مالکش حرف بزند چون ممکن است عصبانیت او را برانگیزد و به باد ناسزا و کتک گرفته شود. اگر هم این اتفاق افتاد که هیچ! چون او که می دانست حق طلاق ندارد و سند ملکیت او روزی که انتخابش کردند در گرو مالکش است در نتیجه نباید پایش را از گلیم بیشتر دراز میکرد. در ضمن برای حفظ آبروی خودش بهتر است آثار کبودی و کتک کاری را به نحوی پنهان کند مثلاً نزد دیگران بگوید که از بالای پله ها افتاده است. فکر مراجعه به دادگاه را هم نکنند مگر یادش رفته است در دادگاههای اسلامی همان مردان نماینده خدا

قضاوت می کنند که زن همیشه محکوم است. اگر اجازه مالکش را بگیرد می تواند تا دم در و یابه خانه دوستی یا همسایه ای برود. خلاصه برای هر کاری باید اول اجازه بگیرد چون در اینصورت خدا هم از او راضی میشود آخر او که میدانند خدا او را فقط برای آرامش مرد از دنده چپ آدم آفرید و چون او مانند آدم سرشش از خاک نیست ممکن است نجس هم خوانده شود که کاملاً طبیعی است.

اگر خواست میتواند بخندد اما نه با صدای بلند ،آخر زنان با ایمان فقط گاه گاهی لبخندی ملایم بر لب میاورند اما تا بخواهد میتواند گریه کند شاید خدا گناهانش را ببخشد چون زن همیشه گناهکار است.

فکر برابری با مردان را باید از سر بیرون کند مگر نمی داند اسلام با برابری انسانها و زنان و مردان دشمنی دارد و جدال و رودرویی آنان باعث بقایش است. فراموش نکنند که این آموزشها را به هم جنس خود و به خصوص به دخترش یادآوری کند تا اسلام با نسل جدید تازه و تازه تر شود. اگر میخواهد زن نمونه ای باشد باید تحمل کند و دم نزنند شاید بهترین زن مسلمان شناخته شود. این چند نمونه از هزاران

دردهائیس که يك زن به جرم زن بودنش از ابتدای زندگی! که نه ، مرگ تدریجی اش در حکومت اسلامی به او تحمیل میشود. اما در میان جامعه، در میان مردمی که از اسلام و حکومت اسلامی متنفر و منزجر هستند، تصویر به گونه دیگری است. حس برابری طلبی، آزادیخواهی، سطح توقع و انتظارات مردم از دنیای مدرن و متمدن امروزی و در میان خانواده ها، در مقابل و علیه این فرهنگ پوسیده و ارتجاعی قرار دارد. ما زنان و مردانی که حکومت اسلامی طی حاکمیت سیاهش کوشید تا با اسید و زندان، با شلاق و شکنجه و به زور طوق اسلام را بر گردنمان بیاویزند و نتوانست و در مقابلش ایستادیم، اکنون نیز می توانیم این تصویر انسانی و برابری طلبانه که خواست و آرزوی میلیونها زن و مرد در ایران است گسترش دهیم و تقویت کنیم. شرایط و اوضاع انقلابی جاری این امکان را فراهم کرده است که برای رهایی از دست این افسیون، تصویری زیبا از زندگی انسانی را به دنیا ارائه دهیم .

دسامبر ۲۰۰۹

به امید يك دنیای بهتر

متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۳

میکنیم که اتحاد سیاسی و طبقاتی ای که همین الان بین مردم این منطقه و بقیه مناطق ایران وجود دارد، تقویت کنیم. زیرا سرنوشت مردم کردستان و بقیه مردم ایران مثلاً مردم تهران بطور واقعی بهم گره خورده است. این اتفاقی نیست که امروز افتاده باشد بلکه سالهای سال است که سر نوشت همه مردم ایران به هم گره خورده است. ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کرد هر کدام به دلایل سیاسی و منافع مادی معینی تلاش کرده اند که تفرقه قومی را برجسته کنند. ما

در مقابل آنها بر وحدت همه مردم تاکید داریم. ما تلاش میکنیم در مقابل طرحهای تفرقه افکنانه آنها با این قطعنامه يك طرح و پلاتفرم واقعی، عینی و انسانی و متحد کننده قرار دهیم. آنهم این است که مردم در جامعه آتی مورد نظر ما در ایران میتوانند با حقوق مساوی و در همبستگی با هم و در کنار هم زندگی کنند. ستم ملی و مسئله ملی باید برای همیشه از این جامعه رخت بربندد.

ما در قطعنامه های قبلی بحثمان این بود که انسان را باید به

عنوان انسان به رسمیت شناخت. انسان حقوقش، زبانش، فرهنگش و هر خواست بر حقی که دارد باید به رسمیت شناخته شود. مردم باید در شوراهاى خود هم تصمیم گیرنده و هم مجری قانون باشند. از نظر ما در يك جامعه آزاد مردم هم وضع کننده قانون و هم مجری قانون خواهند بود. بنابراین در چنین سیستم حکومتی ای عملاً ستم ملی بی معنی میشود. اما با این حال به دلیل وجود ستم ملی در کردستان و به دلیل اینکه این موضوع به مسئله ملی تبدیل شده است، و احزاب و جنبشهای فعال در کردستان هر کدام در حال فرهنگسازی مورد نظر خود هستند، هر کدام سرود خودشان را دارند، آواز خودشان را دارند شعر

خودشان را دارند و...

طبقه کارگر و کمونیستها در مقابل جنبشهای بورژوازی و ناسیونالیستی میگویند انسانی ترین و کم دردترین و عملی ترین راه حل این است که انسانها با حقوق و امکانات مساوی در کنار هم زندگی کنند. و در نتیجه نه تنها ستم ملی بلکه هر نوع ستمی باید از آن جامعه رخت بر ببندد. منتها همین امروز برای رفع ستم ملی و جواب به مسئله ملی میگوییم راه حل این است که باید در يك فرزندم به آرا این مردم رجوع کرد.

در ادامه این مسایل قطعنامه به اولویتها و جهتگیریهای سیاسی حزب در کردستان میرسد. ما میگوییم کمونیستهای کردستان و

تشکیلات حزب در کردستان و سیاست حزب کمونیست کارگری در کردستان این خواهد بود: اولاً باید تلاش کنیم جنبشهای انقلابی در کردستان را علیه جمهوری اسلامی و برای در هم شکستن ماشین دولتی حاکم، متحد و سازماندهی و بسیج کنیم. دوما آگاهانه باید در نقد و در مقابل جنبشهای ناسیونالیستی، سیاستهای ارتجاعی آنها ر افشا کنیم. بسویژه طرح ارتجاعی فدرالیستی این جریانات باید مورد نقد قرار بگیرد تا مردم بدانند که این راه حل ستم ملی و مسئله ملی نیست.

ما باید تلاش کنیم که به مردم

صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!